بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی - 31 /شهریور/ 1389

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

اولاً خوشامد عرض میکنیم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیزم، برادران و خواهران باارزشِ فعال و متعهد که با حضور خودتان، با نیروی خودتان، با جوانی خودتان، با شور امید و ایمان خودتان، کشور را و جامعه را و این دوره‌ی از زمان را رونق میبخشید و تاریخ را آبرومند میکنید.

یك جمله اول عرض کنیم در والائیِ جایگاهی که امروز شما جوانان عزیز قرار دارید ؛ چه شما جمع حاضر در این محفل صمیمی و چه ده‌ها هزار یا شاید صدها هزار جوانی که در همین خیل و روال حرکت کردند و امروز در اینجا حضور ندارند. و آن جمله این است که: عزیزان من! به جوانیِ شما و گذر دوران جوانی برای شما در این برهه، هر کسی غبطه میخورد. این جوانی، اینجور جوانی کردن، اینجور دوران عزیز و گرانبهای جوانی را خرج کردن، برای هر کسی که دوران جوانی را پشت سر گذاشته است، غبطه‌آور است.

امروز در دنیا جوانهای همسن و سال شما در میان چه احساساتی، چه توهماتی، چه فعالیتهائی دارند این دوران عزیز و گرانبها را میگذرانند؟ در پیشرفته‌ترین کشورها غبار ناامیدی، افسردگی، بی‌هدفی، روی زندگی زیبای جوانی را پوشانده است ؛ بسیاری از جوانان فقط هدفشان رسیدن به آرزوهای کوچك و حقیر مادی برای خودشان هست ؛ نه لذت خدمت به خلق را میچشند، نه نیروی عظیم و کمیابِ جوانی را در راهی که شایسته‌ی آن هست خرج میکنند ؛ و بسیاری نه فقط هدفهای والا ندارند، بلکه اصلاً هدف ندارند و زندگی را به صورت روزمره، غرق در مادیات، غرق در شهوات زودگذر و افسرده کننده طی میکنند ؛ از آن روح متلألئ معنوی که یك جوان مؤمن و عاشق خدمت و متوجه به مبدأ عشق و زیبائی و حقیقت برخوردار است، آنها چیزی نمیفهمند. جوانی شما برای یك چنین انسانهائی - اگر چشم بصیرت داشته باشند - هم در خور غبطه خوردن است.

قدر این دوران را و این جهتگیری را و این روحیه را بدانید ؛ نعمت خدمتگزاری را و توان خدمتگزاری را که خدای متعال به شما هدیه کرده است، قدر بدانید ؛ خدا را شکر کنید ؛ افزایش این گنجینه‌ی معنوی را از خدا بخواهید. و این را بدانید که هر جامعه‌ای و هر کشوری از یك چنین سرمایه‌ی عظیمی و ذی‌قیمتی برخوردار باشد، بدون هیچ تردیدی خواهد توانست به برترین قله‌های عزت و عظمت دست پیدا کند. و این سرنوشت قطعیِ جامعه‌ی شما و ملت شماست. عامل آن هم، موتور محرکِ آن هم، همین روحیه‌ای است که شما دارید.

خب، یك جمله عرض کنیم در مورد این حرکت عظیم بسیج سازندگی و اردوهای هجرت که به طور رسمی، ده سال است آغاز شده. البته این را من باید اقرار کنم که این کار، اول از خود جوانها شروع شد ؛ خود جوانهای دانشجو و دانش‌آموز در بخشهای مختلف، این حرکت را شروع کردند ؛ در سال 79 گزارش این حرکت زیبا و پرشکوه به ما رسید و منجر شد به اینکه پیام بسیج سازندگی به قاطبه‌ی جوانان کشور داده شود. یعنی این یك حرکت خودجوش مردمی است ؛ درست مثل جهاد سازندگی در آغاز انقلاب. جهاد سازندگی هم همین جور بود ؛ اول، خود جوانها شروع کردند، خودشان رفتند توی روستاها مشغول خدمتگزاری شدند در آن اوضاع بسیار دشوار و پیچیده. این حرکت، امام بزرگوار را به فرمان جهاد سازندگی تشویق کرد. کار مردم، الهام‌بخشِ اقدام مدیران و مسئولان است.

خب، عاملْ اینجا چیست؟ عشق و ایمان، بصیرت و همت ؛ اینها ستونهای اصلی است. عشق و ایمان. انسانی که

ایمان ندارد، محوری برای حرکت خود نمیتواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست، نمیتواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد، به کارهای کوچك، به فرازهای محدود اکتفاء میکند ؛ چشم به برترین قله‌ها نمیدوزد. انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوضی میرود ؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف میکند، کجراهه میرود. عشق و ایمان، همت و بصیرت ؛ اینها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد ؛ لذا انقلاب شد همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن از آن نام برده شده است: «أ لم تر کیف ضرب اللّه مثلا کلمة طیّبة کشجرة طیّبة». (1) کلمه‌ی طیب مثل درخت نیکونهاد و سالم و طیب است. «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء» ؛ ریشه‌دار، دارای ریشه‌ی عمیق و مستحکم و دارای شاخ و برگ فراگیر. «تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها» ؛ میوه‌ی مطابق فصل، میوه‌ی مطابق نیاز در اختیار و در دسترس جامعه قرار میدهد. این کلمه‌ی طیبه است ؛ انقلاب یك چنین چیزی است. حرکت انقلابی‌ای که امام بزرگوار ما - آن رهروِ حقیقیِ راه طیبین و اولیاء و شهدا و معصومین و صدیقین - در مقابل پای ما گذاشت، همان کلمه‌ی طیبه است.

یك روز نیاز حرکت دفاعی در درون جامعه بود، یك روز نیاز حرکت دفاعی در مرزهای کشور بود، یك روز نیاز به علم و دانش است، یك روز نیاز به تحکیم عقاید و ایمانهاست، یك روز نیاز به خدمتگزاری است ؛ در همه‌ی این شرائط، میوه‌های متناسب با فصل در اختیار مردم گذاشته میشود. این حرکتِ انقلاب است.

عده‌ای خیال کردند انقلاب کهنه شد یا کهنه‌شدنی است. اعلام کردند انقلاب تمام شد! خودشان تمام شده بودند ؛ خودشان ذخیره‌شان ته کشیده بود، قادر به ادامه‌ی راه نبودند ؛ دنیا را، جامعه را، انقلاب را به خودشان قیاس کردند ؛ اشتباه کردند. «نسوا اللّه فأنساهم انفسهم» ؛ (2) وقتی با خدا قطع رابطه شد، انسان حتّی خودش را هم درست نمیتواند بشناسد، چه برسد به جامعه‌اش، چه برسد به آرمانهایش. چه جور انسان با خدا قطع رابطه میکند؟ وقتی که هوسها، گرایشهای مادی، خودمحوری‌ها بر جان انسان غلبه پیدا کرد و این جاذبه‌ها مثل تار عنکبوتی، حشره‌ی ضعیفِ همت و ایمان آنها را در خود فرا گرفت، آن وقت متوقف میشوند. اینجوری داشتیم. در گذشته هم داشتیم، در آینده هم خواهیم داشت ؛ اینها ریزشها هستند. آن کسانی که از راه انقلاب و مسیر انقلاب باز میمانند، لزوماً کسانی نیستند که از اول، کمر دشمنی با انقلاب بسته‌اند. وقتی که انگیزه‌ی مادی بر انسان غلبه کرد، در راه میماند ؛ وقتی هدفهای کوچك و حقیر شخصی: رسیدن به مال و منال، رسیدن به تجملات، رسیدن به ریاست، رسیدن به قدرت، برای انسان شد هدف، هدف اصلی از یاد میرود.

در یك مسیر وقتی که ما در پی آن هستیم که به محلی، به هدفی برسیم، اگر در راه سبزه‌زاری، یك چشمه‌ای، قهوه‌خانه‌ی خوبی پیدا شد و پامان سست شد و آنجا را هدف فرض کردیم، دلمان خوش شد به اینکه این لحظه را خوش بگذرانیم، هدف از یاد خواهد رفت ؛ از راه خواهیم ماند. این بلائی بود که سر بعضی آمد، دیگران را هم به خودشان قیاس کردند، گفتند انقلاب تمام شد، گفتند امام فراموش شد ؛ اشتباه میکردند. انقلاب یك حقیقت خدائی است، متکی به ایمانهاست، متکی به احساسات عاشقانه است، متکی به بصیرت است. مگر تمام میشود؟ لذا من بارها گفته‌ام، الان هم میگویم: نسل جوان امروز ما که نسل سوم انقلاب است، از جوانان نسل اول اگر ایمانشان قوی‌تر نباشد، پرشورتر نباشد، بصیرتشان روشن‌تر نباشد، یقیناً عقب‌تر نیستند.

آن روز بسیاری از افراد وارد میدانها میشدند، نمیتوانستند بمانند. جوانِ امروز با این همه وسوسه‌ها، با این همه ابزارهای انتشار مادیگری و شهوت و خودپرستی، وقتی که به پای انجام وظیفه میرسد، اینجور جانفشانی میکند ؛ اینجور وارد میدان میشود. این خیلی باارزش است ؛ خیلی باارزش است.

بسیج سازندگی و این اردوهای هجرت را قدر بدانید. شما که خودتان محورهای اصلی این حرکت عظیم هستید، این

را قدر بدانید ؛ از خدای متعال شاکر باشید. مسئولین، دیگران، مدیران و کسانی که دست‌اندرکار امور هستند، آنها هم این حرکت عظیم را قدر بدانند. سال تحصیلی، درس را خوب بخوانید، با تحقیق بخوانید، قصدِ رسیدن به قله‌های علمی را پیدا کنید. در دوره‌ی فراغت هم ساعات را، روز و شب را، با این حرکت زیبا و باشکوهِ خدمت به مردم غنی کنید.

این کار اردوهای هجرت و حرکت عظیم بسیج سازندگی یکی از برکاتش خدمت‌رسانی است که میلیونها نفر از این خدمت شما به صورت مستقیم بهره‌مند میشوند. از لحاظ مادی، از لحاظ امور روزمره‌ی زندگی، از لحاظ معنوی و هدایت، بهره‌مند میشوند. شما اگر درس قرآن هم آنجا ندهید، خودِ حضور یك جوان مؤمن و متدین و متشرع در یك مجموعه‌ی روستائی، در بین جوانان، در بین مردم، مظهر مجسم آیه‌ی قرآن است ؛ آنها را به دین، به انقلاب، به معنویت، سوق میدهد. «کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم» ؛ (3) شما با عمل خودتان مردم را به ایمان، به اسلام، به دین دعوت میکنید. این خدمت‌رسانی است ؛ خدمت‌رسانی مادی و خدمت‌رسانی معنوی. از این مهمتر، خدمتی است که شما به خودتان میکنید ؛ استعدادهای درونی خودتان را فعال میکنید ؛ به بالقوه‌هائی که در وجود شما هست، فعلیت میبخشید ؛ تجربه پیدا میکنید ؛ با زندگی مردم آشنا میشوید ؛ این حصارهای طبقاتی شکسته میشود ؛ واقعیتهای زندگی را لمس میکنید ؛ در خودتان شعف و بهجت خدمت‌رسانی را احساس میکنید و این احساس را در وجود خودتان زنده میکنید. کسی که لذت خدمت و کار را بچشد، از کار خسته نمیشود. همان طور که در گزارشها برادران عزیز گفتند، من هم قبلاً در گزارشها خوانده‌ام ؛ جوانی که این لذت را در وجود خودش کشف کرد، از خدمت خسته نمیشود ؛ این هم فایده‌ی دوم که فایده‌ی بسیار بزرگی است.

فایده‌ی سوم این است که شما سفیران کار و تلاش خواهید شد. وقتی شما در یك محیطی حاضر میشوید ؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار میشوید، جوانی که در آنجاست، از شما الهام میگیرد و شما میشوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «من احیاها فکانّما احیا الناس جمیعا» ؛ (4) شما دلها را زنده میکنید ؛ فایده‌ی بزرگی است. فوائد فراوانی در این کار هست. این جریان عظیم را حفظ کنید.

عزیزان من! کشور شما و ملت شما در یك پیچ خطرناك تاریخی در حال حرکت است. سی سال است ما داریم این پیچ را طی میکنیم. به نقاط خطرناك، خطرخیز رسیدیم، از آن عبور کردیم ؛ لکن تمام نشده. این نقطه‌ی حساس تاریخی فقط مربوط به تاریخ ایران نیست، مربوط به تاریخ امت اسلامی است. امت اسلامی که قرنهاست دچار رکود است، مورد تحقیر است، دچار عقب‌ماندگی از کاروان تمدن است، دچار برخی یا بسیاری حکام و زمامداران فاسد و دیکتاتور است، امروز نوبت این فرا رسیده است که امت اسلامی خود را از زیر بار این همه مشکلات، این همه آلودگی‌ها، این همه گرفتاری‌ها خلاص کند. ملت ایران قدم بزرگ اول را برداشته است. دنیا، دنیای تعارض است، دنیای جنگ است، دنیای کشتی‌گیری‌های مادی میان قدرتهاست ؛ قدرتهائی که نمیخواهند ملتهای مستقل سر بلند کنند و احساس شخصیت و حضور بکنند، ساکت نمیمانند، بیکار نمیمانند ؛ بخصوص که میدانند امت اسلامی از یك استعداد درونیِ برخاسته‌ی از احکام اسلامی برخوردار است ؛ لذا صف‌کشی میکنند، که دیدید صف‌کشی کردند. از اولِ انقلاب اسلامی، صف‌بندی میان جبهه‌ی مستبدان بین‌المللی، زیاده‌خواهان بین‌المللی و میان ملت بزرگ و شجاع ایران شروع شد. وانمود میکنند هدف، ایران است ؛ اما هدف، اسلام است ؛ هدف، امت اسلامی است. میدانند که موتور این حرکت عظیم، معنویت است، قرآن است، اسلام است ؛ لذا با اسلام و قرآن معارضند. البته خطشکن ملت ایران است و ضربات را به خطشکن متوجه میکنند. اما این نیروی عظیم خطشکن، با گذشت بیش از سه دهه، نه فقط پاهاش سست نشد، نه فقط عزمش متزلزل نشد، نه فقط عقب‌نشینی نکرد، بلکه شتاب خود را بیشتر هم کرد.

بارها من گفته‌ام و این گفته شعار نیست، واقعیت است: امروز ما هم همتمان، هم بصیرتمان، هم توانائی‌های گوناگونمان از سی سال قبل بمراتب بیشتر است. هدایت انقلاب، روح انقلاب، جهتگیری انقلاب در ما کهنه نشده ؛ چیزی که آنها امیدش را داشتند. شاهد و دلیل: همین جوانها. بهترین شاهدها همین شما جوانان عزیز هستید ؛ این نسل پویا و بالنده‌ی بابصیرت و باهمت و آگاه که در صحنه‌های گوناگون حاضر است.

اگر صحبتِ کارهای فناوری پیچیده است، همین جوانها هستند ؛ انرژی هسته‌ای را هم جوانهای ما دارند سر پا میکنند ؛ در سلولهای بنیادی هم جوانهای ما دارند فعالیت میکنند ؛ و در فناوری زیستی، فناوری نانو، و انواع و اقسام فناوری‌ها، هر جا میرویم جوانهایند ؛ جوانهائی که نه دوران جنگ را دیدند، نه امام را ملاقات کردند، نه از اول انقلاب خاطره‌ای دارند. پس این حرکت، حرکت پوینده و بالنده است. به میدان عمل و خدمت و تلاش که میرسیم، همین حرکت عظیم بسیج سازندگی را می‌بینیم ؛ به میدان سیاست و اعلام حضور که میرسیم، حرکت 9 دی را می‌بینیم، حرکت 22ی بهمن را می‌بینیم، حضور عظیم در انتخابات را می‌بینیم ؛ اینها معناش چیست؟ معناش این است که امروز جوانان ما - که اکثریت قاطع ملت ما هستند - و عموم ملت ما در همان جهت حرکت انقلاب اسلامی و با همان ضرب دست انقلاب، رو به فزایندگی هستند، دارند پیش میروند. پس ما پیش رفتیم.

دشمن، درست نقطه‌ی مقابل است. آن روز قوی‌تر بود، امروز ضعیفتر است ؛ آن روز امیدش بیشتر بود و میگفتند ما سه روزه، بعد میگفتند در ظرف یك هفته، بعد میگفتند در ظرف دو ماه، انقلاب را، نظام را، از بین میبریم ؛ امروز چنین حرفهای گزافی کسی از اینها نمیشنود ؛ ناامید شدند، عقب‌نشینی کردند. پس این حرکت، حرکتِ رو به جلوست. ما در این پیچ عظیم تاریخی داریم با احتیاط، با تدبیر، با حواس جمع و با نیروی زیاد جلو میرویم. و این به برکت چند عامل اصلی است ؛ یکی از این عوامل، شما جوانها هستید. شما دارید کشور را جلو میبرید. یکی از موتورهای قویِ پیشبرنده، حضور جوانهاست. همه باید حضور جوانها را قدر بدانند. و ان‌شاءالله روزبه‌روز گسترش این روحیه در بین جوانهای ما بیشتر شود ؛ چه در دختران، چه در پسران ؛ چه در محیط دانشگاه، چه در محیط دبیرستانها ؛ چه در محیطهای گوناگون اجتماعی دیگر. و این خواهد شد. حرفهای یأس‌آلود، حرفهای ناشی از افسردگی - که غالباً علتش هم نومیدی و افسردگیِ گوینده‌ی همین حرفهاست - راه به جائی نخواهد برد.

این روزها، روزهای سالگرد آغاز جنگ تحمیلی است. هشت سال همه‌ی قدرتهای نظامیِ دنیا دست به دست هم دادند علیه ایران. درست است که آمریکا و شوروی سابق، عملاً توی میدان جنگ، سرباز نفرستادند - آنها سرباز نمیفرستند، احتیاج به سرباز فرستادن نبود. بیچاره ملت عراق، اسیر دست اینها بودند - اما تجهیزات میفرستادند، نقشه‌ی جنگی میدادند، تصویر فضائی از وضعیت عرصه برای صدام تهیه میکردند، پول براش میفرستادند، اعتبار سیاسی براش درست میکردند ؛ هرچه از دستشان برمی‌آمد علیه انقلاب، علیه امام، علیه نظام، دروغ و شایعه و تبلیغات میساختند و پخش میکردند. همه‌ی این کارها را کردند. نتیجه چه شد؟ امروز صدام کجاست؟ صدامی که آنها برای مقابله‌ی با ملت عزیز ایران و با انقلاب اسلامی و با امام بزرگوار پیش کرده بودند، اول بشدت ذلیل شد، بعد هم با نکبت مرد و از دنیا رفت ؛ اما امام زنده است، انقلاب زنده است، فرزندان امام زنده‌اند، ملت امام زنده است. این یك تجربه است.

همه‌ی کسانی که سینه سپر میکنند و پیشکرده‌های جبهه‌ی جهانیِ استکبارند که در مقابل ایران اسلامی قرار میگیرند، به همین سرنوشت دچار خواهند شد. این، تجربه است و در آینده هم همین جور خواهد بود. امام زنده خواهد ماند، انقلاب زنده خواهد ماند، شما زنده خواهید ماند ؛ دشمنان شما منکوب و نکبت‌زده از سر راه خواهند رفت. این حرکت باید به قله‌های عالی اهداف انقلاب برسد و به فضل پروردگار و به حول و قوه‌ی الهی خواهد رسید.

خودتان را قدر بدانید ؛ این راه را قدر بدانید ؛ ارتباطتان، ارتباط دلهای پاك و بی‌آلایشتان را با خدا روزبه‌روز قوی‌تر کنید ؛ از خدای متعال مدد بخواهید. این احساس مسئولیتی که در شما هست، این احساس مسئولیت را روزبه‌روز بیشتر کنید و مثل نقطه‌ی مشتعلی که اطراف خود را مشتعل و نورانی میکند، در محیط خود اثر بگذارید. هر جا هستید: در محیط خانواده، در محیط کار، در محیط درس، در محیط جامعه، روی اطرافیان تأثیر بگذارید. روزبه‌روز لطف خدای متعال گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد و خدای متعال دست لطفش را از سر شما ملت عزیز، ان‌شاءالله تعالی بر نخواهد داشت. امیدواریم همه‌تان مشمول دعای حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشید. خدا ان‌شاءالله همه‌ی شما عزیزان را محفوظ بدارد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1) ابراهیم: 24
2) حشر: 19
3) بحارالانوار، ج 67، ص 309
4) مائده: 32